

شعاری بزرگ بادستاوردی کوچک برای ایران

هنگامی که نمایندگان مجلس در صحن بهارستان بالحنی تند درباره مرادوات ایران با چین و روسیه جدل می‌کنند، پشت این جنجال ها عده‌هایی پنهان هستند که دست‌کم برای ایران چندان به نفع نیستند. اقتصاد ۲۴ نوشت؛ پس از ماه‌هاتبلیغ و تاکید بر نگاه به شرق ازسوی برخی چهره‌های سیاسی، در ظاهر، تجارت رسمی ایران و چین گسترده و پررونق به نظر می‌رسد، اما اگر تخفیف‌های سنگین نفتی، مسیرهای خاص دوزدن تحریم‌ها و مقایسه با سطح مبادلات دیگر کشور‌های منطقه را در نظر بگیریم، واقعیت چهره‌ای دیگر نشان می‌دهد: ایران از چین کالا وارد می‌کند، نفت را با قیمت پایین می‌فروشد و سهم واقعی‌اش در این رابطه بسیار کوچک‌تر از آن است که شعار اتحاد راهبردی وانمود می‌کند.

حجم تجارت ایران و چین

سازمان‌های رسمی ایران گزارش داده‌اندکه تجارت غیرنفتی ایران باچین در سال منتهی به ۴۰ اسفند ۱۴۰۳ (۲۰ مارس ۲۰۲۵) به حدود۳۴۰ میلیارد دلاررسیده وازاین مقدار صادرات غیرنفتی ایران به چین ۱۴۸ میلیارد دلارو واردات ایران از چین ۱۹۰۳ میلیارد دلار بوده است. در سال ۲۰۲۴، آمار «صادرات چین به ایران» ثبت شده از سوی COMTRADE حدود ۸٫۸۵ میلیارد دلار بوده و «واردات چین از ایران» در سال ۲۰۲۴ حدود ۴٫۴۴ میلیارد دلار بوده است. هم چنین در حوزه نفت، تحلیل‌ها نشان می‌دهند که چین در نیمه نخست ۲۰۲۵ به‌طور متوسط حدود ۱٫۷۸ میلیون بشکه در روز نفت از ایران وارد کرده (۱۳٫۶ درصد از واردات کل نفت چین) و این نفت با تخفیف حدود ۷-۸ دلار به ازای هر بشکه پایین‌تر از قیمت جهانی به چین واگذار شده است. همچنین گزارش‌های مستقل می‌گویند که ایران بیش از ۸۰ درصد از صادرات نفتی خود را اخیراً به چین ارسال کرده، از هم درحالی‌که سهم چین از بازار نفت ایران با رقبای منطقه‌ای قابل قیاس نیست و این روند منجر به وابستگی یکطرفه ایران به چین می‌شود.

تخفیف‌های نفتی

از سوی دیگر درحالی‌که ایران تحت فشار تحریم‌ها برای حفظ جریان صادرات نفتی‌اش ناگزیر به تخفیف شدید بوده، طرف چینی از این موقعیت استفاده کرده است. برای نمونه، در گزارش رویترز آمده که تخفیف نفت ایران به چین (حدود ۷-۲ دلار در هر بشکه) نسبت به قیمت نفت مشابه بازار بوده است. تحلیلگران مستقل تخمین می‌زنند که ایران مجبور شده که نفت خود را با تخفیف به چین بفروشد تا راه ورود پیدا کند». بنابراین، ایران نه فقط فروشنده ماده خام است، بلکه در موقعیت چانه‌زنی ضعیف قرار گرفته است؛ خریدار چینی نیز با قدرت انتخاب بیشتر، تخفیف می‌گیرد و ایران ناگزیر است برای حفظ بازار تحریمی‌اش انعطاف به خرج دهد.

یک مقایسه

چنانچه که اگر بدانیم که در خلیج فارس و منطقه، کشورهای عربی چگونه باچین تجارت می‌کنند و حتی سهم نفت‌شان چقدر بالاست، تصویر برای ایران روشن‌تر می‌شود. برای مثال، بین ایران و چین در سال منتهی به مارس ۲۰۲۵، تجارت غیرنفتی حدود ۲۴۰ میلیارد دلار بوده است. اما بین عربستان سعودی و چین در سال ۲۰۲۴، مجموع تجارت دو جانبه حدود ۱۰۷ میلیارد دلار گزارش شده است. واردات چین از ایران به همان سال حدود ۵٫۰۵ میلیارد دلار بوده است. در همین حال، تجارت چین با کشورهای عربی به‌طور کلی در سال ۲۰۲۴ حدود ۴۰۷ میلیارد دلار بوده است (صادرات چین ۲۰۶ میلیارد دلار و واردات از کشورهای عربی ۲۰۱ میلیارد دلار)؛ این یعنی عربستان (وکشورهای عربی) سهمی بسیار بزرگ‌تر از ایران در سازوکار تجارت باچین داشته‌اند. این تفاوت بزرگ در حجم و ساختار تجارت، نشان می‌دهد که ایران نه تنها در مقایسه با رقبای منطقه‌ای‌اش ضعیف است، بلکه «بازنگر اصلی» این رابطه نیست؛ بازیگر اصلی چین است که از موقعیت ایران بهره می‌برد.

تحلیل راهکار

مساله اینجااست که اکنون ایران با وجود حجم قابل توجهی از صادرات نفت به چین، نقش تأمین‌کننده اولیه نفت ارزان شده را دارد؛ نه شریک صنعتی و بلندمدت. چین با در اختیارداشتن گزینه‌های بیشتر، نفت ایران را با تخفیف می‌خرد و در مقایسه با عربستان که تجارتش با چین ۱۰۷ میلیارد دلار در ۲۰۲۴ بوده، ایران سهم بسیار کوچکی دارد. همین روند می‌تواند منجر به «وابستگی» ایران شود؛ اکنون نیز ایران در موضعی قرار گرفته که مجبور است برای حفظ بازار و تولید ارزی، شرایط را بپذیرد و چون چین شریک بزرگی برای ایران نیست، تهران نمی‌تواند خواست‌هایش را به همان اندازه تحمیل کند. اگر ایران واقعا می‌خواهد از «تأمین‌کننده خام» به «شریک برابر» تبدیل شود، باید نابرابری موجود در این معادله را بپذیرد، شروطش را بازبینی کند و از این رابطه، سهم بیشتری طلب کند؛ پیش از آن که وابستگی‌اش به چین به مشکل بزرگ‌تری بدل شود و دیگر حتی نتواند جایگزین مناسبی برای این کشور بیابد.

سال هشتم
شماره ۲۲۴۲

«آرمان ملی» روند تحقق وعده‌های دولت را بررسی می‌کند

رفع فیلترینگ در پیچ و خم بهارستان تا پاستور



از امید تا ناامیدی

چندی پیش بود که خبری مبنی بر مخالفت کارگره رفع فیلترینگ با رفع فیلتر تلگرام، اینستاگرام و یوتیوب منتشر شد که پس از یک روز تکذیب شد، اما واقعیت این را نشان می‌داد که هر زمان چیزی تکذیب می‌شود احتمال تأیید آن بالا است. نوع موضوع اعضای شورای عالی فضای مجازی، رویکردهای دولت و... نشان از همین امر دارد که همه در جامی زند هیچکس گامی به پیش بر نمی‌دارد، این در شرایطی است که شروط ۶ گانه شورای عالی فضای مجازی برای رفع فیلترینگ و شروط ایران برای تلگرام چند روز پیش اعلام شد تا مشخص شود کار در چه مرحله‌ای قرار دارد و تا چه میزان می‌توان به رفع فیلترینگ امیدوار بود. شروطی که این شورا برای رفع فیلترینگ در نظر گرفته عبارتنداز: «افزایش سرمایه اجتماعی و رضایت مردم»، «تقویت حکمرانی قانونمند»، «تأمین امنیت روانی جامعه»، «رعایت الزامات امنیت ملی»، «حفظ استقلال کشور» و «عدم آسیب به سکوهای داخلی»، اما شروطی که از سوی دولت ایران برای تلگرام ارسال شده عبارتنداز: «محدودسازی مطالب تحریک آمیز قومیتی»، «حذف محتوا با شکایت شهروندان»، «همکاری تلگرام با دستگاه قضائی ایران، «مسدودسازی ترویج‌کنندگان محتواهای تروریستی و خلاف امنیت ملی ایران»، «تعهد به ایران برای عدم ارائه اطلاعات کاربران ایرانی به سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه»، اشاره کرد. اما واقعیت این است که اگر تلگرام مسدودسازی تروج‌کنندگان تروریسم؛ حذف محتوای مجرمانه با شکایت شهروندان و همکاری با دستگاه قضائی ایران را هم بپذیرد به‌نظر محدودسازی مطالب خلاف امنیت ملی و تحریک‌آمیز قومیتی را احتمالاً نخواهد پذیرفت و باید دید که در این میان مواجعه ایران با این پیام‌رسان برطرف‌دار چه خواهد بود. از آن مهم سایر شبکه‌های اجتماعی چه سرنوشتی پیدا خواهند کرد. آنچه مسلم است باید به صورت شفاف مشخص شود چه موضوعی دارد و در نهایت موضع حاکمیت در این خصوص چگونه است. هر چند بسیاری بر این باورند که سود سرشار و درآمد هنگفت از فروش فیلترشکن‌ها باعث شده تا عزمی جدی برای رفع فیلترینگ وجود نداشته باشد. شروط رفع فیلترینگ بیانگر آن است که رفع فیلتر می‌تواند اتفاق بیفتد، اما به معنای بازگشت آزادگان کاربران به دنیای بدون محدودیت نخواهد بود. آزادی دیجیتال مفهومی فراتر از دسترسی فنی و نیازمند تضمین حقوق کاربران، شفافیت نظارت، و اعتماد متقابل میان جامعه و نهاد‌های تصمیم‌گیر است. تا زمانی‌که این مؤلفه‌ها فراهم نشود، حتی اگر تلگرام، اینستاگرام یا هر پلتفرم دیگری رفع

«آرمان ملی» از ادامه تخریب چهره‌های ملی گزارش می‌دهد

دعواهای سیاسی نقشه راه تندروها

محمد هاشمی: آزادی این نیست که به جای انتقاد توهین و تخریب کنند

توهین نباید باشد، تخریب نباید باشد و اگر نقدی وجود دارد گفته شود. نقاط قوت گفته شود و راه حل برای نقاط ضعف گفته شود. رئیس اسبق سازمان صداوسیما بیان کرد: متأسفانه در فضای فعلی این حرف‌ها را کسی رعایت نمی‌کند، عنوان می‌شود که در مردم سالاری باید آزادی داشت اما اظهار داشت: علت همه‌ها را باید از همه‌کنندگان بپرسید که مساله‌شان چیست. معمولاً در فضایی که ما به اصطلاح فضای مردم سالاری داریم؛ آزادی مشروط است، خبرنگارن این نوشت: محمد هاشمی رفسنجانی گفت: آزادی این نیست که توهین و تخریب را به جای انتقاد بگذارند و بگویند انتقاد است.



گزارش

روایت میرمحمد صادقی از سرنوشت گفتمان وفاق ملی

دولت‌پزشکیان دولت‌کندی است

نهاد دولت شرکت سهامی نیست که به همه گروه‌ها سهم بدهند

بیش از یکسال و اندی از روی کار آمدن دولت مسعود پزشکیان و گفتمان «وفاق ملی» می‌گذرد؛ گفتمانی که از همان روزهای اولیه، برخی سیاسیون احتمال شکست آن را می‌دادند. حال در یکسال گذشته، هرچه دولتمردان چهاردهم از عدم دعواکردن و کنارگذاشتن اختلاف‌های جناحی روایت کردند، مخالفان دولت بیشتر بر طبل نارضایتی خود کوبیدند. از همین رو، خیلی زود پیش‌بینی سیاسیون به حقیقت پیوست و گفتمان تازه‌شکل‌گرفته دولت چهاردهم، خیلی زود شکست خورد. در همین راستا، حسین میرمحمدصادقی، حقوق‌دان و سخنگوی اسبق قوه قضائیه، درباره «وفاق ملی» گفت: اگر اصل مساله این باشد که بالاخره «وفاق» اگر اجرا شود، چیز بسیار خوبی است و ما را از این درگیری‌های جناحی و سیاسی تا حدی جدا کرده و نجات می‌دهد، در اصل هیچ تردیدی وجود ندارد که واقعا مردم از این سیاست‌بازی‌ها خسته شده‌اند. اگر واقعا افراد رانه بر اساس وابستگی‌های سیاسی، بلکه بر اساس توانمندی‌هایشان برای کار انتخاب کنیم، این به نظر من کار خوبی است و اصل سیاست، سیاست درستی است.

وفاق ملی شکست خورد؟

وی اظهار داشت: اما افاق وفاق به این معنا باشد که در واقع بر اساس وابستگی‌های جناحی و سیاسی انتخاب کنیم، کار مشکل می‌شود و موفقیتی حاصل نخواهد شد، چون مدام باید فقط افرادی را برگذاریم فالان گروه سیاسی راضی شود. بنابراین، به نظر من عدم موفقیت این مساله گفتمان وفاق شاید ناشی از همین بوده است، یعنی پیش از آنکه توجه به کارایی افراد در نظر من عدم موفقیت این مساله گفتمان وفاق شاید ناشی از همین بوده و حامیانش را از دست داده است، خاطر نشان کرد؛ البته شاید توان گفت مساله دقیقا به این شکل بوده، اما اینکه حالا از حامیان خودش غفلت کرده یا نه را واقعاً نمی‌دانم. ولی اینکه بیش از آنکه به فکر کارآمدی باشد، به فکر این بوده که مثلاً گروه‌های سیاسی مختلف در دولت نقش داشته باشند، این به نظر من چیزی است که برداشت کلی مردم هم همین است و همین امر در وفاق باعث شکست این گفتمان شده است.

دولت‌پزشکیان

میرمحمدصادقی در پاسخ به اینکه آیا با توجه به شکست گفتمان وفاق ملی، پزشکیان گفتمان خود را تغییر می‌دهد، بیان کرد: به نظر من، دولت آقای پزشکیان دولت‌کندی است؛ یعنی در کارهایی که باید انجام دهد و تصمیمات و انتصابات که باید صورت بگیرد، بسیار محافظه‌کار و کند عمل می‌کند. به‌نظر من باید تدبیر به این شکل باشد که دولت به‌گونه‌ای عمل کند که بدون توجه به وابستگی‌های جناحی و سیاسی، افراد را بر اساس کارآمدی‌شان برای انجام یک کار مشخص انتخاب کند. متأسفانه این امر تاکنون وجود نداشته است. در واقع، دولت نباید مانند یک شرکت سهامی باشد که همه گروه‌ها در آن سهم دارند، چون چنین وضعی هیچ‌وقت منتهی به موفقیت نمی‌شود. وی درباره اینکه آیا پزشکیان هم این گفتمان را رکنار خواهد گذاشت یا خیر، پاسخ داد: به نظر من، شاید با توجه به ناکارآمدی موجود، اتفاقی بیفتد که دولت در نهایت به این نتیجه برسد که افراد را بدون توجه به وابستگی‌های سیاسی، بر اساس کارآمدی‌شان انتخاب کند. این امر باعث می‌شود که دولت فقط مربوط به یک جناح یا حزب خاص نباشد. «وفاق ملی» به این معنا، به نظر من چیز درستی است. شاید آقای پزشکیان از آن معنا و مفهوم نادرست اولیه، به سمت معنای درست‌تر آن حرکت کند.

خبر

جواد امام مطرح کرد:

برجام تصمیم‌نظام بوده‌است

سخنگوی جبهه اصلاحات اظهار داشت: امروز هم یک جریان تندرویی که احساس می‌کند که در جامعه اکثریت محلی از اعراب ندارد با تشنج می‌کند و ایجاد هرج و مرج و توسل به رفتارهای غیرقانونی تلاش می‌کند که خود را حفظ کنند و نشان دهند که حضور و رای مردم هیچ اثری نمی‌تواند داشته باشد و این متأسفانه به صراحت به زبان آورده شده است. اینجا اجازه اصلاح و تغییر نمی‌دهند و امروز دوروی یک سکه ای که ما شاهد آن هستیم جریانات تندروی داخلی و دشمنان بیرونی ما است. متأسفانه در فضای فعلی این حرف‌ها بوده است، درست است که تلاش آقای روحانی و دولت وی و آقای طرفید در آن مؤثر بوده اما این اراده حکومت و تصمیم همه ارکان نظام بود. اما ظاهراً برخی فاراموش کرده‌اند که این موضوع مصوبه شورای عالی امنیت ملی را داشته است و با فراموش کرده‌اند که مصوبه مجلس و شورای نگهبان را داشته است. متأسفانه امروز به جای اینکه نگران افزایش فشارها بر مردم و جامعه و وضعیت معیشتی و اقتصاد و بهم ریختگی اجتماعی و ریزش‌هایی که صورت گرفته است، باشند؛ خوشحال هستند از اینکه اسنپ بکی اجرا شده و ما به آن شش قطعه‌نامه سازمان ملل برگشته‌ایم و در ذیل بند هفت منشور سازمان ملل قرار خواهیم گرفت. من نمی‌دانم این چه خوشحالی دارد که مردم در تنگنای اقتصادی باشند و کشور مورد تهدید اجانب و دشمن خارجی قرار بگیرد و مسیر، مسیری است که می‌تواند تهدید این نظامی را تشدید کند. وی افزود: امروز هم همه تمام تلاش‌شان بر این است که فضا را متشنج و امنیتی کنند و بتوانند با رقبایشان برخورد کنند. آقای روحانی به درستی آمده است پرده از مشکلات و موانع و خیانت‌هایی که در دوره ریاست جمهوری‌اش برای احیای مجدد برجام صورت گرفت، سخنانی را بر زبان رانده است و اینکه شاهد این باشیم که در مجلس شورای اسلامی رئیس مجلس از تربیون مجلس به نفع یک کشور بیگانه تلاش کند که اقدامات رئیس جمهور منتخب یک کشور و وزیر خارجه را زیر سوال ببرد از نوادر روزگار است که ما در این عصر شاهدش هستیم، در هیچ جای دنیا روسای جمهور خودشان و شخصیت‌های خودشان را به نفع یک کشور بیگانه زیرسوال نمی‌برند.